

## عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی انواع فرایندهای فرانقش تجربی و تاثیر آنها در مضمون و سبک حکایت های تفسیر سوره یوسف و داستان های کشف الاسرار

## محل انتشار:

پنجمین همایش متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به سبک شناسی، بلاغت، نقد ادبی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

## نویسندگان:

طاهره ایشانی - استادیار زبان و ادبیان فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حسین رضایی لاکسار - کارشناسی ارشد زبانشناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## خلاصه مقاله:

فرانقش تجربی، یکی از فرانقش های مطرح در دستور نقشگرایی نظام مند هلیدی است که به بازنمایی تجربه های انسان از جهان بیرون و درون میپردازد و درواقع بیانگر محتوای گزارهای بند است. محتوای گزارهای همان کنش یا وضعیتی است که بهوسیله فعل اصلی بیان میشود که در این دستور به آن فرایند میگویند. در مقاله حاضر کوشیده ایم تا با استفاده از روشی توصیفی-تحلیلی و آماری با بررسی تطبیقی میزان کاربرد انواع فرایندهای مطرح در فرانقش تجربی میان حکایتهای تفسیر سوره یوسف و کشفالاسرار، به شباهتها و تفاوتهای زبانی و محتوایی این دو اثر از این منظر پی ببریم و نسبت آنها را به یکدیگر بسنجیم. نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد که علیرغم تفاوتهای معنی دار سبک نگارش دو پیکره، تفاوت قابل ملاحظه ای در کاربرد انواع فرایندهای اصلی و زیرگروه های آنها مشاهده نمیشود. با توجه به موضوع مشترک دو کتاب (تفسیر قرآن) به نظر میرسد این امر حاکی از این است که میزان استفاده از انواع فرایندهای مختلف بیشتر به محتوا و مضمون دو اثر وابسته است تا سبک نگارش و ویژگیهای زبانی آنها. بنابراین، میتوان گفت فرانقش تجربی، دست کم در چنین متونی، بیشتر به کار تعیین محتوای اثر و دیدگاه نویسنده میآید تا تعیین سبک نگارش و ویژگیهای زبانی. زیرا باوجود رابطه نزدیکی که میان مضمون اثر و گزینش انواع فرایندها وجود دارد، رابطه ای میان سبک نگارش و گزینش فرایندهای گونان، دست کم در پیکره مورد بررسی ما، وجود ندارد.

## کلمات کلیدی:

دستور نقش گرای نظام مند، فرانقش تجربی، فرایند، تفسیر سوره یوسف، کشف الاسرار

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/761566>

